

فصل پانزدهم هدر رفته با فساد

امریکا با مجوز دادن به رشوه و فساد مالی، به از بین بردن مشروعیت دولت کمک کرد

رایان کراکر، سفیر امریکا در افغانستان: «بزرگترین پروژه ما متأسفانه و البته سهواً، ممکن است توسعه فساد جمعی بوده باشد! این نقطه نهایی شکست تلاش‌های ماست.»

در اوت ۲۰۱۰، خبری عجیب منتشر شد: «بزرگترین بانک خصوصی افغانستان، به سرمایه‌گذاران سیاسی پشت این بانک نزدیک به ۱ میلیارد دلار (معادل یک دوازدهم تولید اقتصادی کشور در آن سال) وام جعلی داده است. اتفاقاً تکان‌دهنده که امریکا را ترساند، از اینکه درست در زمانی که دارد تعداد زیادی نیرو به افغانستان اعزام می‌کند، این اتفاق باعث به خطر افتادن راهبرد جنگ شود. اواما و کلینتون به صورت رسمی از فساد انتقاد کردند و به افکار عمومی قول دادند که جلوی این کار را می‌گیرند و کاری می‌کنند تا رهبران افغان در مقابل این مسأله پاسخگو باشند. اما امریکا به رویه قبلی خود ادامه داد و با فاسدترین‌ها اعم از سیاستمداران فاسد، جنگ سالاران، قاچاقچیان مواد مخدر و پیمانکاران تسلیحاتی همکاری کرد، چرا که آنها متحد او بودند. امریکایی‌ها، کار خود را با این استدلال توجیه می‌کردند که کل ساختار قدرت در افغانستان به قدری فاسد است که پاکسازی آن مأموریتی غیرممکن است.

اما این فساد چگونه شکل گرفته بود؟ مشکل از جایی شروع شد که قراردادها و کمک‌های بی حد و حصر و پول‌های یامفت به افغانستان تنگدستی ریخته شد که نمی‌تواند آن را هضم کند و این پول کلان، فساد آورد. سیاه‌رزمان ایجاب می‌کرد، برای خرید وفاداری و اطلاعات، سیل پول را به سمت جنگ سالاران، فرماندهان، نمایندگان مجلس و حتی رهبران مذهبی سرازیر می‌کرد. البته دامنه فساد، گسترده‌تر از سیا بود و کل نیروهای مستقر در افغانستان را در برمی‌گرفت؛ مثلاً زمانی که رهبران افغانستان مجلس تدوین قانون اساسی را تدارک دیدند، دولت امریکا برای نمایندگانی که از مواضع ترجیحی واشنگتن در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان حمایت می‌کردند، بسته‌های ارزی فرستاد. امریکا با مجوز دادن به رشوه و فساد مالی، به از بین بردن مشروعیت دولت کمک کرد. این‌گونه شد که رشوه گرفتن قضات، رؤسای پلیس و مأموران دولتی باعث شد تا بسیاری از مردم از دموکراسی بیزار شوند و برای برقراری نظم به طالبان روی بیاورند.

در سال ۲۰۰۹ فرماندهان ارتش امریکا ذیل راهبرد ضدشورش خود، طرحی برای ریشه‌کن کردن فساد را آغاز کردند. وکلا، مشاوران، بازرسان و ممیزان مبارزه با فساد بسیج شدند تا به کابل بروند و رد فساد را شناسایی کنند. نتایج عجیب بود: بزرگترین عامل فساد، زنجیره تأمین گسترده ملزومات ایالات متحده بود! پنتاگون هرماه بین ۶ تا ۸ هزار کامیون سوخت، آب، مواد غذایی، مهمات و سایر تدارکات را به منطقه جنگی و برای پیمانکاران خود می‌فرستاد. هزینه‌های حمل و نقل، بسیار گزاف بود. اغلب کاروان‌ها برای حرکت از نزدیک‌ترین بندر دریایی در کراچی پاکستان باید مسیری طولانی را طی می‌کردند که بخش‌هایی از آن، مناطق تحت تصرف طالبان و نیروهای محلی متخاصم بود. شرکت‌های حمل و نقل بار به عنوان مجریان این برنامه، برای حفاظت از یک کاروان متشکل از ۳۰۰ کامیون، به ۵۰۰ نگهبان مسلح نیاز داشتند و علاوه بر آن، آنها به جنگ سالاران، فرماندهان پلیس و طالبان، رشوه‌هایی سنگین می‌دادند تا عبور امن خود را تضمین کنند. بررسی دقیق سه هزار قرارداد به ارزش ۱۰۶ میلیارد دلار، نشان داد حدود ۱۸ درصد از این قرارداد به جیب طالبان و سایر گروه‌های شورشی رسیده و ۱۵ درصد دیگر آن نیز توسط مقامات فاسد افغانستان و اتحادیه‌های صنفی آن از بین رفته است.